

جامعه پزشکی؛ نقد هفته

بلوای آزمون پزشکی

امیر عربی - **دستیار چشم‌پزشکی**

● مناقشات کهنه‌ای که با ما پیر شدند، اما حل نشدند...

همه ما با این دست امور بزرگ شده‌ایم و نمونه‌هایی از آنها را در ذهن داریم. گاهی از کنارشان بی‌تفاوت رد شده‌ایم؛ آن زمان که خود را دور از آن چالش و فشارخ از پیچیدگی‌هایش یافته‌ایم. چندی بعد چون گریبان خودمان را گرفت، وارد مناقشه شدیم و بحث کرده و ناسزا گفتیم. نهایت وقتی مرکمان به تمامیت از پل لزران این سوزنه‌های تکراری گذشت، دوباره بی‌تفاوت کناری نشستیم و به مناظرات جاماندگان خندیده‌ایم.

چالشی از این جنس این روزها بحث اول جامعه پزشکان شده است. در آستانه اعلام نتیجه‌بزرگ‌ترین آزمون صنفی جامعه طبیبان، جمعی از شرکت‌کنندگان در این امتحان در شهرهای گوناگون اقدام به برگزاری تجمعاتی کرده و اعتراض خود را به تخصیص تنها ۳۵ درصد از پذیرش‌ها به سهمیه آزاد اعلام کردند؛ مسئله‌ای که طبق گفته رئیس مرکز سنجش آموزش پزشکی، مصوبه مجلس شورای اسلامی است. بحث قدیمی سهمیه و سهمیه‌بندی، این‌بار موضوع مناقشه فی‌مابین اطبا و مسئولان شد.

از آنجا که همذات‌پنداری با پزشکان، این تافته‌های جدابافته و دورافتاده از سطح جاری جامعه، برای خواننده غیرمرتبط این نوشته سخت است، یک مثال ملموس‌تر تقدیم می‌شود. هنوز بلوای کنکور سراسری سال ۱۳۸۷ را از خاطر نبرده‌ایم؛ آنجا که سهمیه بومی‌گزینی، نفر اول آن آزمون را همنشین رفقای چهاررقمی تهرانی کرد؛ رفاقت‌هایی که سخت شکل گرفت. اما همچنان پایدار و باقیست و به شرط فراموش‌کردن پشت‌درمانده‌های آن سهمیه‌بندی جنجالی که نمی‌دانیم الان یکپاره و چه می‌کنند، به نظر ضربه سهمناکی به بیکریه زخمی آموزش عالی وارد نشد. مثال‌های مشابه زیادی در همان سطح وجود دارد و کمتر ایرانی‌ای را می‌توان یافت که از سهمیه‌ها تنابیده باشد، مگر آنکه خود صاحب سهمیه بوده باشد.

آزمون دستیارپزشکی یا به زبان ساده‌تر، امتحان تخصص، بد طولانی در ایجاد حاشیه و تلاطم در جامعه پزشکی و جوامع مرتبط دارد؛ از انحلال کامل آزمون در پی فروش سؤالات در سال‌های کمی دور، تا نمره‌های برابری که رتبه‌های متفاوت نصیبشان شد، در گذشته‌ای نزدیک‌تر، اما چه چیزی آزمون مزبور را به ورطه مذکور غلتانده است؟ شاید یک جمع اصادا ساده. از طرفی امتحان بسیار مهم و سرنوشت‌سازی است و گذر از آن به منزله انتخاب شغل ابدی و حرکت به سمت آینده روشن و رفاه احتمالی است. از آن‌طرف به علت ماهیت صنفی و مخاطبان محدود و طبعاً عدم درگیری و اقبال عوام، کمتر زیر ذره‌بین رسانه‌ها قرار گرفته است. آن اهمیت و این بی‌اهمیتی، میدانی برای جولان سهم‌خواهان از سیستم و البته عرصه‌ای برای آزمون‌وخطای تئوری‌های نابالغ و تئورسین‌های نابالغ‌تر به وجود آورده است؛ خلوتی که به باور ذهن منحرف نویسنده، در آن چراغ‌خاموش کارهای زیادی می‌توان انجام داد.

تحلیل خوب و بد سهمیه‌ها کار راحتی نیست. به‌نوعی همه حق دارند. طرف اول دعوا اشاره به سال‌هایی می‌کند که پای کتاب و درس گذراند و اکنون حق خود می‌داند که طبق نمره کسب‌شده، از سکوهای خالی پیش‌رو سهم برد. طرف دوم دعوا اشاره به وجه ماهوی سهمیه می‌کند. طرف اول از عدالت در بهروری از امکانات آموزشی می‌گوید و طرف دیگر بر عدالت بربرادرفته در مناطق محروم در تمام سال‌های تحصیل داوطلب تأکید می‌کند. در این میان طرف سوم دعوا هم داریم که می‌گوید عرصه پزشکی که ضامن سلامت جامعه و معامله‌گر جان و روان شهروندان است، نیاز به بعضی توانایی‌های مادرزادی و استعدادهای ویژه دارد تا در کمترین زمان و سخت‌ترین لحظات بهترین تصمیم گرفته شود و شاید، و باز هم شاید، سهمیه‌گذاری در دنیای خطر طبابت مایه دورماندن افراد شایسته‌تر از میدان شود. نظرات گوناگون است و گویی همه حق دارند و شاید همین موضوع این مناقشه را لاینحل کرده. نتیجه اینکه از این نسل به نسل بعد و بعدتر مبتلا به همه می‌شود و داستان ادامه پیدا می‌کند. واضح‌تر از همه چیز، لزوم اجرای قانون است و درحال حاضر طبق تأکید مسئولان، قانون این‌گونه حکم می‌کند که سهمیه‌ها به شکل کنونی اعمال شود و طبعاً تخطی از قانون بزرگ‌ترین اشتباه است. اگر چه پناهن‌بردن به قانون در این مورد به‌جای حل مشکل به نظر بیشتر آتش‌پس موقت است تا سال بعد همین موقع و شروع دوباره همین بحث‌ها.

خلاصه اینکه سهمیه‌ها اعمال خواهند شد، فارغ از درستی یا نادرستی آن و بر ما و بر همگان است که تابع قانون باشیم. در این بین باید حواسمان باشد که احیاناً اگر از این به‌بعد از جامعه پزشکان خطایی دیدیم و بعضی به دل گرفتیم، در لحظه انتقاد و ناسزاگویی یادمان باشد به احتمال زیاد پزشکی که مخاطبانم است خارج از کسوت سفید طبابت، صاحب یکی از سهمیه‌هاست.

مریم ذوالفقار: درباره نام «قلعه‌کنج» دو روایت وجود دارد. یکی اینکه این منطقه در گذشته صاحب قنات‌ها، کنج‌ها، نعمت‌ها و آبادانی‌های فراوان و سرزمین حاصلخیز و پردرامدی بوده و به‌همین‌خاطر به نام قلعه‌کنج شهرت دارد اما روایت دیگری هم هست که می‌گوید: «یک تکه نان در قلعه‌کنج، حکم کنج دارد!». در قلعه‌کنج حالا سال‌هاست که نان و پیش از آن آب، حکم کنج را دارد. سرزمینی خشک با آفتابی سوزان و داغ که کمتر رنگ بارندگی به روی خود می‌بیند و در سال جاری آن‌قدر کم باران داشته که دام‌های منطقه که اکثر آنها را بز و شتر تشکیل می‌دهد، به ناچار با آب آشامیدنی که مردم روستا در ۱۲ساعتی که آب دارند، برایشان کنار می‌گذارند، شاید سیراب شوند.قلعه‌کنج کرمان، چند سال پیش با هدف محرومیت‌زدایی و ایجاد معیشت پایدار در روستاهای محروم کشور به‌عنوان محروم‌ترین نقطه ایران شناخته و پس از آن با اجرای برنامه‌های اقتصادی و همت مردم سعی شد این محرومیت برطرف شود. برنامه‌های زیادی در این چند سال در منطقه اجرا شده و قلعه‌کنج توانسته راهی طولانی را برای نجات خود طی کند؛ اگرچه هنوز با مشکلات عدیده‌ای مانند بی‌آبی، گرمای طاقت‌فرسا، اختلافات طایفه‌ای و... روبه‌رو است.

قلعه‌کنج کجاست؟

بهترین راه برای رسیدن به قلعه‌کنج این است که با هواپیم‌ا تا بندرعباس بروید، از فرودگاه بندرعباس هم با سه ساعت رانندگی به قلعه‌کنج می‌رسید. مسیر از دل کوه‌ها و زمین‌های خاکی که در آن جابه‌جا بوته‌های خار و درختچه‌های ناغ و... رویده‌اند، می‌گذرد و تابلوی هشداردهنده «خطر تصادف با شتر» در مسیر دیده می‌شود و واقعا هم عبور شتر از جاده، منظره‌ای طبیعی در طول مسیر است. در طول راه و در همین مسیر بی‌آب و علف که گاهی پل و ندره‌ای آن نشان می‌دهند که در گذشته رودی از آن می‌گذشته، گاهی خانه‌های کبرئ اخانه‌های ساخته‌شده از تنه و برگ‌های نخل که تا شش نفر در آن جا می‌شوند) دو، سه‌تایی کنار هم قرار دارند. گاهی ماشین یا موتورسواری از جاده می‌گذرد و جز این چیزی به چشم نمی‌خورد. اما در همین مسیر، در ناکجا آبادی که فقط خاک و بوته‌های خار به چشم می‌خورد، جایی یک تاب و سرسره کوچک و رنگی پلاستیکی در مسیر حتما به چشمتان می‌خورد. نه از فضای سبز و پارک خبری هست و نه از کفیوشی زیر تاب و سرسره تک‌افتاده؛ منظره‌ای عجیب و تلخ که بعداً فرماندار قلعه‌کنج می‌گوید: «چشم و هم‌چشمی طوایف و گاهی کار بدون فکر و عجلوانه باعث شده چنین فضاهایی که هیچ کاربردی هم ندارند، در بعضی نقاط ایجاد شود که حالا خیلی جدی‌تر و به‌عنوان کار پیگیری می‌شود و جلوی این موارد گرفته شده است و به‌جای اینکه چنین وسایلی در بیابان و جایی که هیچ کاربردی ندارد، نصب شود، قرار شده حتما در بوستان‌ها و با رعایت ضوابط انجام شود».اگر انتظار دارید با رسیدن به قلعه‌کنج وارد شهر یا فضایی روستایی شوید، سخت در اشتباهید. گاهی با گذشتن از کنار چند خانه یک طبقه یا چند کپر در منطقه از یک روستا به روستای دیگر رفته‌اید. اگر در اینترنت جست‌وجو کنید، در صفحه اصلی ویکی‌پدیا عکس یک میدان کوچک با عنوان میدان ولیعصر و بلوار آزادگان به چشمتان می‌خورد اما نباید انتظار چیزی بیشتر از همین عکس داشته باشید. فضای موجود در عکس کار فضاهای شهری منطقه است و از جمعیت ۵۰هزارنفری قلعه‌کنج هم شاید تک و توک آدمی در شهر ببینید. اما در بیابان‌های اطراف هر جا چند کپر و چند ساختمان باشد، چشم‌های کنج‌خاو بچه‌ها هم از پشت دیوارها پیدا می‌شود و گاهی هم زن‌ها یا چادرهایی که یک سر آن را مثل شال دور سرشان پیچیده‌اند، به تماشای مسافره‌های غریبه شهر می‌آیند.

قلعه‌کنج و بزهای اسپانیایی

کسانی که بیشتر پیگیر اخبار باشند، اسم قلعه‌کنج که می‌آید، از ماجرای بزهای اسپانیایی سؤال می‌کنند. «بزهای میلیونی»، «بزهای اسپانیایی»، «بزهای اصلاح‌نژادشده» و... اصطلاحاتی است که بعضی‌ها برای این بزها به کار می‌برند. اما ماجرا چیست؟ هنگامی که در سال ۹۳ پروژه ایجاد معیشت پایدار در قلعه‌کنج کلید خورد، قرار شد در این منطقه برای تأمین معیشت و اشتغال‌زایی پایدار» صورت بگیرد. آژانگی که بز و شتر حیوانات بومی این منطقه هستند و مصرف روزانه آب بزها خیلی کمتر از دام‌های مشابه مثل گاو است، قرار شد در قلعه‌کنج بزدرای‌هایی تأسیس شود تا علاوه بر تأمین شیر و گوشت مورد نیاز منطقه، بتوان از این طریق به ایجاد اشتغال نیز پرداخت و این‌چنین بود که سه‌هزار رأس بز مورسیا از اسپانیا وارد قلعه‌کنج شد. بزهای شیرده و مقاوم که حدود ۱۰ برابر بیشتر از بزهای منطقه یعنی روزانه به‌طور متوسط سه لیتر شیر با چربی پنج درصد تولید می‌کنند و چندقلوزا هستند و هیچ تغییر ژنتیکی باعث این مسئله نبوده و نوع زن این بز به‌خودی‌خود شیرده و مقاوم است. یوسف محمدی، مسئول پروژه بزدراری قلعه‌کنج می‌گوید: تعداد بزهای مورسیا که یک‌سال‌ونیم پیش وارد منطقه شدند، حالا به پنج هزار رأس رسیده است.

به گفته او بزها در سن هشت‌ماهگی به بلوغ می‌رسند و بزهای تر برای گوشتشان به فروش می‌رسند و بزهای ماده برای شیردهی و زاد و ولد می‌مانند. بزدراری بزرگی که در منطقه تأسیس شده، باعث اشتغال تعدادی از اهالی قلعه‌کنج شده؛ اما اتفاق‌های دیگری نیز دراین‌میان افتاده و آن ایجاد بزدرای‌های کوچک و بخی و تأسیس کارخانه شیر بز در منطقه است. بزدراری به محل‌های مختلف سنی و البته بخش‌های شیردوشی، بیمارستان، زایشگاه و... تقسیم شده است.

جامعه

روایت یک شاهد عینی از قلعه‌گنج

ریگ‌رونده و جوانه‌های امید



سال‌هایی دراز که بکنه‌های سقفی هوای گرم آن را جابه‌جا می‌کند و اطرافش باز است. همه جا بوی شدید بز به مشام می‌رسد؛ اما در بخشی که به نگهداری بزهای یک تا سه‌روزه اختصاص دارد، بوی شیرخشک می‌آید و هوای خنک کولر بزغاله‌های کوچک را خنک می‌کند. منیره چمک، مسئول بخش شیردهی به بزغاله‌های تازه متولدشده تا سه‌روزه است. گوشواره‌های سبز و زرد، بزهای نر و ماده را از همان روزهای اول از هم جدا می‌کنند. منیره دیپلم دارد و حالا با وجود بزدراری کمک‌خرج خانواده‌ای است که از طریق کشاورزی تأمین می‌شود. کارش را دوست دارد و از اینکه اینجا کار می‌کند، خوشحال است. بزهای یک‌روزه را یکی‌یکی در آغوش می‌گیرد و با شیشه شیر، به آنها شیر می‌دهد و وقتی توضیح می‌دهد که بزغاله‌های سه‌روزه از ظرف دیگری شیر می‌خورند، ویدئوی شیرخوردن آنها را از داخل گوشی‌اش نشانمان می‌دهد. چهار زن به صورت ثابت و دو، سه نفر به صورت کارورز در بزدراری مشغول به کار هستند و در کل ۴۵ نفر از اهالی بومی منطقه در این بزدرای مشغول به کار شده‌اند و به هرگاه آنها هم در پردیس کرج برای کارشان آموزش دیده‌اند.

صندوق‌های روستایی

به جرت می‌توان گفت تجربه شوراهای بزرگ‌ترین تجربه جمعی مردم ایران است که امروزه توانسته به نجات مردم قلعه‌کنج بیاید. مردم قلعه‌کنج در چند سال گذشته شاهد پیشرفت‌های زیادی بوده‌اند. در چهار بیمارستان گرفته تا ایجاد بزدرای‌ها و برگزاری کلاس‌های مختلف فنی حرفه‌ای و... اما به طور حتم آموزش مردم، بزرگ‌ترین اتفاقی بوده که در شهرستان قلعه‌کنج رخ داده است و آموزش ایجاد صندوق‌های پس‌انداز روستایی یکی از مهم‌ترین این آموزش‌هاست که از تجربه آشنای شوراهای کویردراری شده است. در هرکدام از روستاهای بالای ۲۰ خانوار قلعه‌کنج درحال‌حاضر یک صندوق روستایی وجود دارد که از سوی خود مردم اداره می‌شود. به‌این‌ترتیب که به صلاحدید منتخبی که مردم انتخاب می‌کنند و وضعیت روستا، هر فرد یا خانوار بین پنج تا ۲۰ هزار تومان در ماه در صندوق پس‌انداز می‌کند تا بعداً بتواند از صندوق وام بگیرد. بنیاد علوی به‌عنوان یکی از متولیان این طرح در کنار دولت و دانشگاه تهران به‌عنوان مجری به آموزش مردم در این منطقه پرداختند و تسهیلاتی از دانشگاه‌های تربیت مدرس و خوارزمی و... آموزش‌های لازم هم‌اندیشی، حسابداری و... را به مردم دادند تا خود مردم کنترل و هدایت صندوق‌ها را به دست بگیرند. درحال‌حاضر در ۱۴۴ روستای بالای ۲۰ خانوار در شهرستان قلعه‌کنج صندوق‌های روستایی با همت خود مردم تشکیل شده است و به گفته مدیر ملی طرح آبادانی و توسعه قلعه‌کنج از الان سه میلیارد آورده مردم در صندوق با بوده است و بعد از سه ماه از تشکیل هر صندوق، بنیاد علوی هم به همان میزان آورده به هر صندوقی تزریق می‌کند. روستاهای جام‌گه‌ری، لیسانس دامپروری دارد و پنج ماه است در بزدراری مرکزی قلعه‌گنج کارورزی می‌کند و امیدوار است همین‌جا بتواند استخدام شود. او که خودش از ماه مهر در صندوق‌ها پس‌انداز داشته است، هنوز وام نگرفته؛ ولی می‌گوید برخی از دوستانش وام گرفته‌اند و تأثیر صندوق‌ها را به‌وضوح حس کرده است. مسعود حیدروند می‌گوید: با وجود صندوق‌های تسهیلمگری هر فرد می‌تواند هفت برابر مبلغی که به صندوق واریز کرده است، وام بگیرد و به‌این‌ترتیب در راستای معیشت و اشتغال گام‌هایی برداشته می‌شود. او می‌گوید: شاید با این مبالغ نشود کار ایجاد کرد؛ اما همین مبالغ می‌تواند به بهبود کسب‌وکار افراد کمک کند؛ چون بانک‌ها برای وام‌دادن در مبالغ کم هم از مردم ضامن می‌خواهند؛ اما با دریافت اِسن وام برخی از افراد می‌توانند برای زمین‌ی که دارند، مثلاً بنذر تهیه کنند و کود بخرند یا اینکه خانواده‌ای چرخ خیاطی بخرند و کار کوچکی را آغاز کند. به گفته او تاکنون هشت هزار نفر از صندوق وام چربی پنج درصد تولید می‌کنند و چندقلوزا هستند و نفر عضو صندوق‌ها هستند. مدیر ملی طرح آبادانی و توسعه قلعه‌کنج می‌افزاید: بزرگ‌ترین حسن صندوق‌ها این است که بر پایه اعتماد و همدلی مردم استوار است و بدون هیچ تضمینی مردم به بازپرداخت وام‌ها حساس هستند و ۹۵ درصد بازپرداخت‌ها به‌موقع بوده است.

وام‌های صدمیلیونی

علاوه بر وام‌های خرد صندوق‌های روستایی، اگر هریک از اهالی قلعه‌گنج بتوانند طرحی برای اشتغال‌زایی ارائه دهند، می‌توانند از ۱۰ تا صد میلیون وام هم دریافت کنند. برای این کار به گفته مدیر ملی طرح، تسهیلاترکن به آنها برای نوشتن طرح آموزش‌های لازم را می‌دهند. اما شرط دیگری هم برای دریافت این وام‌ها وجود دارد که در راستای آموزش و بااقرتن سطح دانش بومیان منطقه انجام شده است. برای

به دلیل فواصل زیاد روستاها به‌سختی و به‌کندی پیش می‌رود. قلعه‌کنج حالا یک بیمارستان دارد؛ اما باز هم فاصله این بیمارستان با خیلی از روستاها زیاد است. مدیر ملی طرح آبادانی و توسعه قلعه‌کنج می‌گوید: بنیاد علوی بیمارستان قلعه‌کنج را که یک ساختمان نیمه‌کاره بود، تجهیز کرد. به خاطر همین مشکلات و دوری روستاها، قرار شده در هر روستا یک مجتمع درمانی ۱۰تخت‌خوابه با عنوان مراکز درمان بستر ایجاد کنیم و یک آمبولانس هم در اختیار هر مرکز قرار دهیم تا بیماران اورژانسی را به بیمارستان قلعه‌کنج منتقل کنند. حیدروند می‌افزاید: درحال‌حاضر برخی از ساکنان روستاهای حاشیه جازموریان هیچ امکاناتی ندارند و تنها با بسته‌های حمایتی می‌توانیم به آنها کمک کنیم و از روستاهای زیر ۲۰ خانوار خواسته‌ایم به روستاهای نزدیک مراجعه کنند؛ به‌ویژه اینکه این روستاهای کم‌جمعیت، معمولاً عشایر هستند و برنامه داریم به آنها برای تجمیع آموزش‌هایی ارائه کنیم. او می‌گوید: اما در این راه چند ارگان مثل بنیاد مسکن، امور اراضی و منابع طبیعی، بنیاد علوی و دولت باید با هم تفاهم‌نامه مشترکی داشته باشند و با انتخاب زمینی مناسب که آب و امکانات داشته باشد، این افراد را منتقل کنند و امیدواریم تا پایان سال این اتفاق بیفتد.

آب، آب، آب!

گرمای منطقه قلعه‌کنج، گرمای خرماپزان است. معصومه می‌گوید گرمای خرماپزان نشانه رسیدن فصل برداشت خرماست. تردد در منطقه با وجود این گرمای خیلی سخت است و وقتی شیر آب هتل کبری را باز می‌کنی که دوش بگیری، فقط آب داغ از شیر می‌آید. اما مردم منطقه به همین آب داغ هم قانع هستند ولی آبی در کار نیست؛امیر ملی طرح آبادانی و توسعه قلعه‌کنج می‌گوید: آبفا ۸۵ میلیارد تومان و توسعه قلعه‌کنج می‌گوید: آب اختصاص داده اما اگر آبی نباشد که در لوله‌ها جاری شود. بلقیس می‌گوید: خیلی وقت است باران نیامده و ۱۲ ساعت در روز آب نداریم اما بعضی از مواقع هم باید برویم از منبع آب بیاوریم و از همین آبی که آورده‌ایم به بزها هم بدهیم. فرماندار می‌گوید: بحث از بحران آب گذشته و تبدیل شده به مناقشه آب‌ناوکی می‌افزاید: مثلاً چند روز پیش از یک روستا به ما مراجعه کردند که چاه آب شرب جدیدی که می‌خواهید در منطقه ما بزنید، باعث می‌شود آب چاه موتور پمپ ما کم شود و ما یکی، دو سال آینده به بی‌آبی برمی‌خوریم و نمی‌گذاریم چاه جدید بزنید با از روستای دیگری به من گفتند ما قلاً ۲۴ ساعت آب داشتیم اما الان روزی ۱۲ ساعت آب داریم چون لوله‌های شبکه آب ما را به سه تا از روستاهای هم‌جوار وصل کرده‌اند و آب قطع شده است. فرماندار قلعه‌کنج می‌افزاید: برای رفع این مشکلات همیاران آب را در استان و شهرستان شکل داده‌ام تا موتور پمپ‌هایی که بهره‌برداری ندارند تجمیع شوند و بتوانیم چاه‌های مازاد را هم پر کنیم و اکنون ۱۸۰ حلقه چاه، از گردنه فعالیت خارج شده‌اند و مطالعات اخیزدراری در منطقه در حال انجام است و پنج میلیارد تومان از سوی بنیاد علوی و دوونیم میلیارد از جانب دولت برای ایجاد سدهای خاکی و تجمیع آب‌هایی که روان بوده‌اند و تأثیری بر آب‌های زیرزمینی ندارند انجام شده است. وی می‌گوید: در عین حال ما در حال فرهنگ‌سازی برای ایجاد شغل‌هایی هستیم که در راستای استفاده مناسب از آب باشد و به این منظور برای مثال بر کشت کنجد به جای کشت ذرت در منطقه تبلیغ و تأیید کرده‌ایم و زمین‌های زیر کشت ذرت را از چهار هزار هکتار به هزارو ۵۰۰ هکتار تقلیل داده‌ایم و سعی داریم استفاده از کشت گیاهان دارویی و روش‌های مصرف بهینه آب را در دستور کار قرار دهیم. فکر می‌کردم شب کویر باید پر از ستاره باشد، اما آسمان قلعه‌گنج، آسمان زیرگردهاست، طرح‌های کاهش گردوغبار منطقه، هنوز اجرا نشده است. با این حال، قلعه‌گنج با آرامش کویری و گرمای بی‌حد و شب‌های معتدلش، امروز به جای یک منطقه محروم و فقیر، سرزمینی است که به دیدش می‌ارزد.

خبر

سخنگوی وزارت بهداشت به‌اینها خبرداد:

ابتلای ۴۱ نفر به تب کریمه‌کنکو در کشور

● **اینها**: سخنگوی وزارت بهداشت با اشاره به ابتلای ۴۱ نفر به تب کریمه‌کنکو در کشور، از مرگ پنج نفر از مبتلایان خبر داد. ایرج حریرچی (سخنگوی وزارت بهداشت) درباره آخرین آمار مبتلایان به تب کریمه‌کنکو گفت: از ابتدای سال جاری تاکنون، در کل کشور ۴۱ مورد ابتلا به تب کریمه‌کنکو اعلام شده است که پنج مورد از این افراد که بیماری زمینه‌ای نیز داشتند، فوت کردند. سخنگوی وزارت بهداشت بیان کرد: این آمار با توجه به جمعیت کشور آمار بسیاری نیست، اما اسم بیماری سنگین است. او خاطرنشان کرد: در ضمن راه‌های انتقال بیماری تب کریمه‌کنکو مبتلابه مردم نیست؛ مگر چند نفر از مردم خوزشان گوسفند را دبح می‌کنند؟

آبیاری ۱۵۰۰ هکتار از مزارع کشاورزی با فاضلاب

● **ایسنا**: رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت گفت: بیش از هزارو ۵۰۰ هکتار از مزارع کشاورزی در سراسر کشور با آب فاضلاب آبیاری می‌شوند. دکتر احمد جنیدی درباره میزان سطح زیر کشت مزارع کشاورزی با آب فاضلاب در کشور توضیح داد و گفت: با توجه به گزارش‌های دریافتی از دانشگاه‌های علوم پزشکی در ۱۱ استان کشور، بیش از هزارو ۵۰۰ هکتار از مزارع کشاورزی با آب‌های سطحی آلوده به فاضلاب آبیاری می‌شوند. استان‌های البرز، تهران و آذربایجان‌غربی نیز نسبت به استان‌های دیگر بیشترین سطح زیر کشت را دارند. او افزود: الگوی کشتی که از سال‌های دور وجود داشته و حقایبه‌ای که کشاورزان از آب‌های سطحی داشتند و هنوز ادامه دارد، تخلیه فاضلاب شهری و صنعتی که باعث آلودگی آب‌های سطحی می‌شود و توسعه ناکافی سامانه‌های جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب، بخشی از دلایل آبیاری مزارع با فاضلاب هستند. جنیدی ادامه داد: طبق گزارش دانشگاه‌های علوم پزشکی، با توجه به بازرسی و اقدامات بهداشت محیطی شامل آموزش، صدور اخطار و معرفی به مراجع قضائی و هماهنگی‌های ایجادشده با سایر سازمان‌های مسئول برای پیشگیری و کنترل آبیاری مزارع و کشاورزی با فاضلاب سطح زیر کشت از سال ۱۳۸۹ بیش از شش هزار هکتار کاهش یافته است. رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت گفت: کمبود منابع آب برای کشاورزی و تسدید آن بر اثر خشک‌سالی و همچنین رشد جمعیت که به افزایش نیازهای آب شیرین در بخش آب آشامیدنی و آبیاری برای تولید مواد غذایی منجر شده است، از دیگر دلایل ادامه علاوه بر آن، دردرسرت‌بودن فاضلاب به دلیل توسعه ناکافی سامانه‌های جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب نیز به‌عنوان یکی از دلایل استفاده از فاضلاب مطرح است. در این میان، باید وجود مواد مغذی موجود در فاضلاب و تأثیر درخور توجه آن در افزایش میزان تولید محصولات، باآلودن هزینه مصرف‌کودهای شیمیایی و آلودگی منابع آب کشاورزی مانند نهرها، رودخانه‌ها و... با فاضلاب را نیز در نظر گرفت. رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت با اشاره به برنامه مشترک وزارت جهاد کشاورزی و سازمان شهرداری و دهیاری‌ها برای کنترل اِسن موضوع، ادامه داد: این همکاری در قالب برنامه پیشگیری و کنترل آبیاری مزارع با فاضلاب و اجرای برنامه ایمنی فاضلاب انجام می‌شود. بازرسان بهداشت محیط مراکز بهداشت شهرستان‌ها نیز در سراسر کشور در صورت مشاهده و دریافت گزارشی مبنی بر استفاده از فاضلاب برای آبیاری مزارع کشاورزی، علاوه بر بررسی موضوع و در صورت تأیید، ضمن آموزش و اخطار به کشاورزان، در صورت استمرار، فرد را مطابق ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی به مراجع قضائی معرفی می‌کنند. در همین راستا، در سال ۲۱۱۶ مورد معرفی به مراجع قضائی انجام شده است.